

حاشیه‌ها

■ در این ۱۵ دورهای که جشن خانه سینما برگزار می‌شدد هربار با خلاقیت‌هایی سعی در بهتر جلوه کردن جشن داشته‌اند که این بار کلیپ‌هایی که با حضور مردم در هر شغل و مسلک از هر شهر و دیاری اسامی نامزدهای بخش‌های مختلف را می‌خواندند، گاه خواننده این اسامی قصاب بود و گاه عطر فروشن. انگار آنان همگی در این جشن شرکت داشتند و به مناسبت پانزدهمین دوره، ۱۵ لحظه از این برنامه به هنرمندانی همچون «صغر بیچاره»، «بهرام بیضایی»، «سفیناله داد»، «صغر شاهوردی»، «ملک جهان خزاعی»، «براهیم حاتمی کیا»، «جلال‌الدین معیری»، «عباس گنجوی»، «مازیار پرتو»، «پرویز پرستویی»، «هوشنگ مرادی کرمانی»، «امیر نادری» و «هارون یشایانی» تقدیم شد.

■ مجری مراسم - احسان کرمی - که عنوان کرده بود به دلیل اینکه هر بار برای مجری برنامه جشن اتفاقی افتاده است این بار ناپیداست و مدام به مکان جشن - بهارستان - اشاره می کرد و از حاضران روی صحنه می‌خواست از آن حرف‌ها نزنند.

■ مجری هنگام تقدیم یکی از لحظه‌های جشن به «براهیم حاتمی کیا» گفت:امیدوارم مشکل فیلم «گزارش یک جشن» این کارگردان سینما حل شود. ازدحام جمعیت به حدی بود که برخی هنرمندان برای رسیدن به جایگاه برای دریافت جوایز خود با دشواری مسیر را طی می‌کردند.

■ «فرشته طائرپور» تهیه‌کننده فیلم «آینه‌های روبه‌رو» تندیس جشن سینمای ایران خود را به مازیار میری به پاس زحماتی که برای برگزاری پانزدهمین جشن سینمای ایران کشیده بود،تقدیم کرد.

■ «میر تقی»، کارگردان فیلم «مرگ کسب و کار من است» نیز تندیس‌اش را به عنوان بهترین کارگردان کار

اولی به پدر خود اهدا کرد.

■ یکی از لحظه‌های شاد جشن به مدد حضور رامبد جوان و ویشکا آسایش امکان پذیر شد. «امید جوان» که به همراه «ویشکا آسایش» برای اهدای جوایز بخش طراحی لباس حضور داشتند از آسایش به عنوان استاد

تبق یاد کرد و از وی درخواست کرد نام برگزیده این بخش را قرائت کند.البته آسایش نام‌صغر نجات‌یامنی را به درستی و با تسلط اعلام کرد.

■ همایون شجریان در این مراسم حضور داشت که از پدرش محمدرضا شجریان نیز یاد شد.

■ «سازان کوثری» نیز که برای اهدای جایزه بهترین بازیگر مکمل زن - دوست همیشگی‌اش نگار جواهریان - در این مراسم حضور داشت، با خوشحالی ابراز کرد که خانه سینما با وجود همه ناملایمات و نامهربانی‌ها همچنان به کار خود ادامه می‌دهد.

■ میرا زارعی و مه‌ران مدبری تندیس شایستگی را به «رضا طارن» اهدا کردند که به عنوان بهترین بازیگر نقش اول مرد برای فیلم - اسب حیوان نجیبی است - دریافت کرد. آخرین فیلم عبدالرضا کاهانی که دیروز

اعلام شد مجوز نمایش را دریافت کرده است، عطاران گفت: از اینکه این تندیس را از دست مدبری که به گردن بچه‌های برنامه «ساعت خوش» حق بزرگی دارد، دریافت می‌کنم بسیار خوشحالم.

■ به درخواست امین تارخ همه حاضران به احترام منوچهر اسماعیلی که درخواست کمی احترام و توجه کرده بود، ایستادند.

■ شهاب حسینی در هر جمعی از محبوبیت خاصی برخوردار است و با گرفتن تندیس گفت: «این تندیس تقدیر از یک نوع نگارش و تفکر است و خوشحالم که باصغر فرهادی در این اثر سینمایی همکاری کرده»

و در عین حال تندیس خود را به کمال تبریزی تقدیم کرد. حضور جابزبان در این مراسم با استقبال بازیگرانی همچون شهاب حسینی و حامد بهداد روبه‌رو شد و آنان در کنار جابزبان هشت سال دفاع مقدس قرار گرفتند و با آنان به گفت‌وگو پرداختند.

■ «شهداد روحانی» ریزر که برای اجرای برنامه در پانزدهمین جشن سینما به ایران آمده بود،از اینکه مردم دنیا با سینمای ایران آشنا هستند، اظهار خوشحالی کرد.

دور ایران

■ در یازدهمین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی که در مشهد برگزار می‌شود از کاظم مدیر شانه‌چی، فاضل مطلق بزدی تقدیر می‌شود.

■ نقاشی‌های «منصوره پناهگر» اول مهرماه با حضور آیدین اغداشلو در گالری ساریان رونمایی می‌شود.

■ کنسرت ارکستر سمفونیک تهران که قرار بود ۳۰ و ۳۱ شهریور به رهبری مجید انتظامی برگزار شود به دلیل هماهنگ نشدن نوازندگان به تعویق افتاد.

دور جهان

■ فهرست اسامی برندگان جوایز منتخب تلویزیونی انگلیس اسمال درحالی اعلام شد که سریال «شرلوک» از شبکه «بی. بی. سی ۱» بهترین درام تلویزیونی جدید لقب گرفت.

■ فیلم سه بعدی پت پستچی، اوایل سال ۲۰۱۳ به بازار می‌آید. استفان منگان، بازیگر کم‌دین بریتانیایی نقش پت را در این فیلم بازی می‌کند.

■ براساس سنت گذشته آکادمی سوئد تاریخ اعلام جوایز نوبل ادبی در تقویم جوایز نوبل نیامده است

و به دلیل پیچیدگی‌ها، این انتخاب به زودی اعلام می‌شود.

■ ریچارد همیلتون، هنرمند پاپ در سن ۸۹ سالگی درگذشت. شهرت همیلتون به دلیل نقاشی‌ها، کولاژ و مجسمه‌هایش بوده‌است.

■ **ادامه از صفحه اول**

او سرا از اینکه جامعه را از بالا قضاوت می‌کنم تبرئه کرد و خوشحالم این کار را بزرگ‌واری همانند آقای دولت‌آبادی انجام داد.بعد از امشب به برلین برمی‌گردم و با انرژی بسیار به برلین برواهم گشت.» تندیس شایستگی جشن سینمای ایران و دیپلم افتخار بهترین کارگردانی هم به اصغر فرهادی اهدا شد. پوراحمد و حسین یاری به روی صحنه آمده بودند و پوراحمد درباره فرهادی گفت: «زمانی که فرهادی «رقص در غبار» و «شهر زیبا» را ساخت، نوشتیم که او فیلمساز بزرگی در ایران خواهد شد و حالا می‌بینیم او از بزرگان سینمای ایران و جهان شده است.» فرهادی نیز گفت: «تصویر امیر نادری را دیدم و پادم آمد بگویم چند هفته قبل چند روزی با هم بودیم و من برم از افسوس و حسرت که او در جمع ما نیست. بنابراین فکر کردم، می‌توانم از هم‌نسل و هم دوره او یاد کنم و یاد تقدس جایزه‌ام را به کارگردان فیلم «هفت‌تیرهای چوبی» (شاپور ربی) تقدیم کنم.» ابوالحسن داوودی، محمدعلی نجفی و محمدهدی عسگرپور در قسمت پایانی و برای اهدای تندیس شایستگی سینمای ایران و دیپلم افتخار بهترین فیلم آمدند که این‌بار هم نام فرهادی برده شد. داوودی گفت: «حضور ما سه نفر در اینجا معنای زیادی دارد. این یعنی خانواده سینما می‌تواند در دوره‌های مختلف با سلاطین متفاوتی کار کند، اما وقتی پای اصول به میان می‌آید، جان‌مان را هم کنار می‌گذاریم. خوشحالم که این جایزه هم را به اصغر فرهادی اهدا کردم.» «بچا بدون من» دیگر فیلم مورد توجه این دوره جشن بود که درخشش بازیگران زن آن بیش از هر چیزی به چشم می‌آمد؛ هم فاطمه معتمدآری برای نقش اول زن تندیس شایستگی گرفت و هم نگار جواهریان برای نقش مکمل فاطمه معتمدآری که به گفته خودش همیشه با اندکی خشم به خانه خودش، خانه‌سینما، نگاه می‌کرده است، در این مراسم جایزه دیگری هم گرفت و آن تندیس جشنواره مونترآل بود که فرشته طائرپور برایش از کانادا آورده بود. رویا تیموریان و همایون اسعدیان برای اهدای تندیس بهترین بازیگر نقش اول زن آمده بودند که او خطاب به اسعدیان گفت: «شاید اندازه این جمع نباشد که بگویم خوشحالم از این تندیس این چیزی شبیه یک مهریابی است. آن چیزی است که سال‌هاست از دست دادیم و دیگر با هم مهربان نیستیم.» او با اشاره به معماری عمارت مسعودیه گفت: «این معماری از قلب ما بیرون رفته و این هم از همان

فراموشی مهریابی است که موجب شده حتی با محیط هم مهربان نباشیم. امشب با این مجلسی که در شأن سینماست، بعد از سال‌ها به دست خودمان شأن‌مان را به دست آوردیم. این چیزی بود که آقای بهشتی به ما یاد داد تا خانه‌سینما را بنا بگذاریم تا مستقل شویم و خوشحالم در مقابل آقای بهشتی بگویم خانه‌سینما مستقل شده. آنچه امشب اتفاق می‌افتد، شایسته سینماست که گام به گام رشد کرده و برای سینما ارزش قابل شده است. معتمدآری با انتقاد از وضعیت کنونی سینما گفت: «مدتی است که ما با خانه‌سینما احساس خشم داشتیم و البته نه دشمنی و امیدوارم همه ما با همدیگر کاری کنیم شائی که حالا به ما برگشته را حفظ کنیم.» این مراسم بدون سخنان کسانی همچون کیومرث پوراحمد، دبیر جشن و محمدهدی عسگرپور،مدیرعامل خانه‌سینما نمی‌توانست یک شکل صغی و مستقل داشته باشد هرچند حضور میهمانانی مانند احمد مسجدجامعی و سیدمحمد بهشتی از گستره حمایتی نسبت به این اتفاق خبر می‌داد. کیومرث پوراحمد در ابتدای مراسم چنین گفت: «یاد خیلی حقیر باشم که دلخوری شخصی‌ام را در آرای هیات داوران اعمال کنم که البته نمی‌توانستم این کار را انجام دهم و اگر می‌توانستم وای به حال ۱۴۳ دآوری که همه از بچه‌های شریف و خیره سینما

ادب وهنر

اصغر فرهادی، شهداد روحانی، محمود دولت‌آبادی، فاطمه معتمدآریا و ناصر تقوایی در جشن سینمای ایران

جان‌مان را برای سینما می‌گذاریم



کسب‌ها، تپوئام یوئیکان

با از اهالی خانه‌سینما و با آن دمخور هستند.» پوراحمد با اشاره به سختی‌هایی که برای برگزاری جشن متحمل شده‌اند، تاکید کرد: «مازیار همه چیزهای ناخوشایند را شنید و تحمل کرد اما تو باید بدانی که این اعتراض‌ها به تو (مازیار) نبود و به همه ۱۴۳ داور بود. تمامی اهالی خانه‌سینما مثل هم نیستند و درک و منطق یکسانی ندارند» دبیر جشن سینمای ایران با اشاره به بخشی از فیلمنامه مسافران گفت: «خانواده سینما این رسالت را برای خودش قایل است که آینه قدیمی را که از پیشینیان به ما رسیده برای آیندگان حفظ کند. این خانواده زیر سقف خانه‌سینما به ماندن و شکفته شدن باور دارد و همه تنگناها را به جان می‌خرد و نمی‌گذارد مجلس تحریف سینمای مستقل برگزار شود و جشن لینچپننی برگزار می‌کند. همه اعضا از من‌ترین تا جوان‌ترین وجودشان غنیمت است و آنها هستند که خانه‌سینما را همیاری کردند و حضور موثر در جشن داشتند. خانواده سینما جشن سینما را باور دارند.» در این جشن مدام بر این نکته تاکید می‌شد که سختی گفته شود و به همین خاطر کمال تبریزی که از اولین کسانی بود که روی صحنه حاضر شد و گفت: «با این نکته‌ها کسانی که بعد از من روی صحنه می‌آیند بر دهانشان چسب بزنند.» محمدهدی عسگرپور که می‌گفت من همیشه از آن حرف‌های می‌زنم وقتی با

نقاشی‌های پیکاسو هند در کریستی



در سالروز تولد پیکاسو هند ۱۳ نقاشی از مقبول فنا حسین در حراجی «کریستی» به قیمت چهار میلیون و ۲۰۰ هزار دلار به فروش رسیدند. مقبول فنا حسین، نقاش سرشناس هندی که به «پیکاسو هند» ملقب بود، در ۱۷ سپتامبر به دنیا آمد و سه ماه پیش درگذشت.

علیزاده، شور انگیز و ارکستر ملی



حسین علیزاده با «شورانگیز» ارکستر موسیقی ملی را در برج میلاد همراهی می‌کند. این کنسرت در تاریخ‌های ۲۸ و ۲۹ شهریور و ۳۰مهر تحت عنوان «لشداگان» برگزار می‌شود و ارکستر موسیقی ملی ایران به رهبری بردیا کیاروس و خوندگی «محمد معتمدی» برگزیده آثار حسین علیزاده را اجرا خواهد کرد.

فرانسیس فورد کوپولا، کارگردان سه‌گانه «پدر خواننده»:

سینما جوان و جذاب است

فیلم‌های «پدرخوانده» به‌دست آورد، بعدها نام «فورد» را به احترام بنیان‌گذار کارخانه خودروسازی «فورد» به نام خانوادگی‌اش افزود. از جمله افتخارات کوپولا می‌توان به جایزه اسکار بهترین فیلمنامه اقتباسی در سال ۱۹۷۱ برای «پاتون»، جایزه اسکار بهترین فیلمنامه اقتباسی در سال ۱۹۷۳ برای «پدرخوانده»، جایزه اسکار بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه اقتباسی در سال ۱۹۷۵ برای «پدرخوانده ۲»، جایزه بافتا بهترین کارگردانی در سال ۱۹۷۸ برای «بنک آخرالزمان»، جایزه بهترین فیلم معنوی جشنواره سال ۱۹۹۱، جایزه نخل طلا و جایزه فیپرشی جشنواره کن در سال ۱۹۷۹ برای فیلم «بنک آخرالزمان»، جایزه نخل طلا و جایزه بهترین فیلم معنوی جشنواره کن در سال ۱۹۷۴ برای فیلم «مکالمه»، جایزه یک عمر دستاورد سینمایی از انجمن کارگردانان آمریکا، جایزه گلدن گلوب برای بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر یک خواب روایت کند و در عین حال لذت‌بخش باشد و در جایی که مناسب است، فضای طنزآمیز خلق کند. این داستانی خوفناک است که تا حدی خود مرا هم ترسانده است.» فرانسیس فورد کوپولا، کارگردان و فیلمنامه‌نویس پ‌راوازه آمریکایی و برنده پنج جایزه اسکار است. او شهرت جهانی‌اش را به‌واسطه سری

شرق: در حالی چندی پیش ژان لوک گدار، کارگردان سرشناس فرانسوی در گفت‌وگویی گفته بود که سینما به نقطه پایانی خود رسیده است که «فرانسیس فورد کوپولا» کارگردان مطرح سه‌گانه «پدرخوانده» در تازه‌ترین مصاحبه خود با جوان خواندن سینما گفت: با گذشت این همه سال هر هفتم هنوز او را سرمست می‌کند در عرصه فیلمسازی فضای بسیاری برای تجربه و آزمایش وجود دارد. کوپولا در این گفت‌وگو سینما را چنین توصیف کرده است: «سینما رسانه‌ای جادویی، سرمست‌کننده و بسیار جوان است، تو می‌دانی که در ۱۱۰سال اول تولد سینما در این عرصه با گذشتاهای و یافته‌های بسیاری برای کشف وجود دارند.»

به گزارش دیجیتال اسپای، درباره جدیدترین اثر خود «تویکست» که در جشنواره فیلم بین‌المللی تورنوتو اکران شده، گفت: «خیلی مهم بود که فضایی کم‌دی را به داستان تاریک نویسنده‌ای که توسط روح «داگار آلن یو» تسخیر شده، تزریق کنم. این فیلمی بسیار غیرعادی است؛ تا حدی سعی می‌کند داستانی را براساس یک خواب روایت کند و در عین حال لذت‌بخش باشد و در جایی که مناسب است، فضای طنزآمیز خلق کند. این داستانی خوفناک است که تا حدی خود مرا هم ترسانده است.» فرانسیس فورد کوپولا، کارگردان و فیلمنامه‌نویس پ‌راوازه آمریکایی و برنده پنج جایزه اسکار است. او شهرت جهانی‌اش را به‌واسطه سری



جشن بزرگ سینمای ایران در عمارت تاریخی مسعودیه با حضور سینماگران و چهره‌های شاخص فرهنگی‌هنری برگزار شد

گزارش تصویری



کلیه کوچک من

ایمان اجباری و ایمان موروثی – ۵۵

اردشیر خرمکوب

■ پاسخ خواند، که از زبان پیامبران هر قوم جاری می‌شده، بسیار موجز و متناسب فهم بشر است. این استدلال همچنان کارکرد منطقی خود را داراست و می‌توان به دست بردن به آن، همین امروز نیز منطبق موروث‌گرایان را به چالش رانند. گرچه انتهای این استدلال، با یک برش کلامی ناتمام مانده، اما مبراحتی می‌توان محل نقطه‌چسب و جافقاندگی را با گزاردن کلمه‌های مناسب، کامل کرد. بار دیگر به گفت‌وگوها بنگرد. حالا استدلال خواند: «ایا اگر پدران آنها چیزی نمی‌فهمیدند و راه را تشخیص نمی‌دادند...» ادامه جمله، در برش کلامی جذابی رها مانده است. خود شما، آن را کامل کنید. که یعنی: مسلمان بودن و مسیحی بودن و زرتشتی بودن و بت‌پرست بودن پدران شما، دلیلی بر حقانیت اعتقاد فعلی شما نیست. پس عقل و فهم خود شما چه می‌شود؟ ملاک قرار دادن حقانیت آیین پدران‌تان، با تعطیلی عقل و فهم خود شما مترازد است. مگر اینکه شما با مراجعه به خرد خدادادی خود، بر درستی راه پدران‌تان قسرود آیین. در قرآن، خداوند، مرتب به پیامبر متذکر می‌شود که این همه از رویگردانی مردم منشو و جانت را به خطر مینداز. که اگر اراده ما بر ایمان اجباری مردم بود، به یک اشاره، همه مردم را لباس ایمان می‌پوشانند.ب. اما این ایمان به چه درد می‌خورد؟ ایمانی که از جان و باور مردم برنخیزد، به یک نسیم روبه‌بمی می‌شود. سخن باشکوه و همه‌رمانی و بی‌عوجاج و اصل مسلم: «لا اکراه فی الدین» اشاره به همین مهم دارد که اجباری در پذیرش دین نیست. سفرهای پهن است، با خوردنی‌هایی از معرفت‌های الهی که نامش دین است. هر کس به تناسب عقل و شعوری که دارد، می‌تواند در کنار این سفره بنشیند و از خوردنی‌های آن تناول کند. کنش. کنش در پذیرش یک اندیشه، مثل اجبار در خوردن چیزی است که جز نفرت و تهوع سرانجامی ندارد. هم ایمان اجباری پای در وادی جهل

دارد و هم ایمان موروثی. با این تفاوت که در ایمان اجباری، جهل حاکمان جولان می‌دهد و در ایمان موروثی، جهل فرمان، خاوندن بر هر دوی اینها خط بطلان می‌کشد. و ایمانی را برمی‌کشد و تایید می‌کند و می‌پسندد که خیزگاه آن فهم و عقل و تحقیق و تدبر باشد. بشر در مسیر رشد خود، بایستی از پرستش سنگ و چوب و ستارگان و ماه و خورشید و درخت، که همه اینها برای او ملموس و ددنی بود، به پرستش خدای نادیده روی می‌برد. و این، برای بشر، سخت و باورنکردنی می‌نمود. او تا دیروز، چیزی را می‌پرستید که می‌توانست لمسش کند. یا او را ببیند. حالا چگونه باور کند خدایی هست که آفریننده همه‌چیز است اما به چشم نمی‌آید؟ در خدا، خاتناش کجاست؟ خورد و خوراکش چیست؟ همسر و فرزند دارد؟ ندارد؟ جنسش از چیست؟ و چون سخن پیامبران را نمی‌توانست باور کند، به مسخره کردن آنان می‌پرداخت. در قرآن، آیه‌های فراوانی است که به همین مسخره کردن پیامبران اشاره دارد، به رسولان الهی می‌خندیدند و آنان را انگشت نشان هم می‌دادند. که: ای آدم‌های بی‌عقل، خدای نادیده، چگونه می‌بیند؟ چگونه می‌شنود؟ و چگونه از جایی به جایی می‌رود؟

به بشر دیروز حق بدهیم که با پرشش‌های متعدد خود، تلاش می‌کرد به خدا نزدیک شود. فوران همین پرسش‌ها بود که خدانشناسی را از زبان پیامبران جاری می‌کرد. پرسش، در ذات خود اززشمند است. حتی پرشی که با استهزا آمیخته باشد. چرا که هر پرسش، به هر شکلی که هست، پاسخی می‌طلبد. رواج پاسخ‌هاست که یک‌به‌یک پرسش‌ها را از صحنه بدر می‌برند. جامعه‌ای که از رواج پرسش‌ها و چراها بهراسد، با شتاب، به ورطه سقوط نزدیک می‌شود. دریچه یک‌صدوهشتادوششم سوره بقره به یکی از این پرسش‌های مردمی پاسخ می‌گوید. در این پرسش، ما از لحن پرسشگر و چند و چون پرسش او خبر نداریم. اما پاسخ، به‌شدت با غلظت محبت آمیخته است. آنچنان غلیظ، که زانوان بشر را می‌رزانند و او را به تواضع فرومی‌نشانند: «و إذا سألك عبادی عنی فانی قریب = و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سوال می‌کنند، (به آنها بگو): من نزدیکم.» شگفتی این سخن کوتاه از منظر ادبی در این است که پی‌درپی و در سه مرحله از ضمیر «من» سود برده است: عبادی- عنی- فانی. این «من»‌های خدایی، یعنی آغوش پروردگاری. یعنی به سینه فشردن بنده. وقتی می‌گوید: بنده من، این بنده، با همین قید مالکیت مست می‌شود. احساس می‌کند خدا با همه بزرگی‌اش، با انگشت او را نشان همه می‌دهد و دست روی سینه خداوندی‌اش می‌گذارد و به همه می‌گوید: اینکه نشان شما می‌دهم، بنده من است. و یعنی: به بندگان من بگو فاصله‌ای میان من و آنها نیست. من در وجود آنانم. و همیشه با آنانم. این ابشار لطف، همچنان بر تن و بدن و فهم بندگان می‌بارد... (ادامه دارد)